

تجربه دیگران

چرا روز عید در بعضی کشورها متفاوت است؟



پایان ماه مبارک رمضان فرارسیده است و به پادشاه نهایی آن، یعنی به عید رسیده‌ایم. سؤالی که بیش از هر سؤال دیگری در میان مسلمانان در این مقطع زمانی مطرح می‌شود، این است که چرا دوستان ما در ترکیه، مصر، مراکش یا سومالی عید فطر را در روزهای متفاوتی جشن می‌گیرند؟ عید در روز اول ماه شوال است و این ماه از روز بعد از شبی آغاز می‌شود که هلال ماه نو به‌وضوح قابل مشاهده است. حالا چگونه است که عید فطر را در روزهای مختلف جشن می‌گیرند؟ مگر مبنای همه یک ماه نیست؟ مسئله این است که از چهار روش متفاوت برای تشخیص استفاده می‌شود.

روش دیداری: اغلب به این صورت است که اگر ماه در آسمان دیده شود، عید است، اما در همه کشورها از این روش استفاده نمی‌کنند. امروزه در بعضی مکان‌ها از تقویم بین‌المللی برای تعیین انتقال به روز دیگر استفاده می‌شود. بنابراین، اگر گفته می‌شود استرالیا یک روز قبل از آمریکا عید را جشن می‌گیرد، به این دلیل است که روز عید طبق تقویم مرسوم تعیین می‌شود.

مکان‌های دیگر: یکی دیگر از دلایلی که برخی از کشورها روز عید را متفاوت از بقیه جشن می‌گیرند این است که مکه را الگو قرار می‌دهند، مثلا اگر مردم در مکه روز چهارشنبه عید فطر را جشن بگیرند، افراد بیرو این روش در بعضی کشورهای دیگر نیز این روز را جشن می‌گیرند، اما جوامع دیگر عید را وقتی جشن می‌گیرند که خود ماه را مشاهده کنند.

محاسبه: امروزه می‌توان با محاسبه پیش‌بینی کرد که روز عید چه زمانی واقع خواهد شد. در برخی مناطق، مردم به این روش اعتماد می‌کنند.

محاسبه مشاهدات: آخرین روش، ترکیبی از روش اول و سوم است. در این روش، زمانی که هلال ماه نو برای چشم غیرمسلح قابل مشاهده باشد، محاسبه می‌شود. این راهی ایده‌آل برای آشتی برقرارکردن میان روش تصمیم‌گیری سنتی با فناوری و محاسباتی است که امروزه در اختیار داریم.

منبع: mvslim.com

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

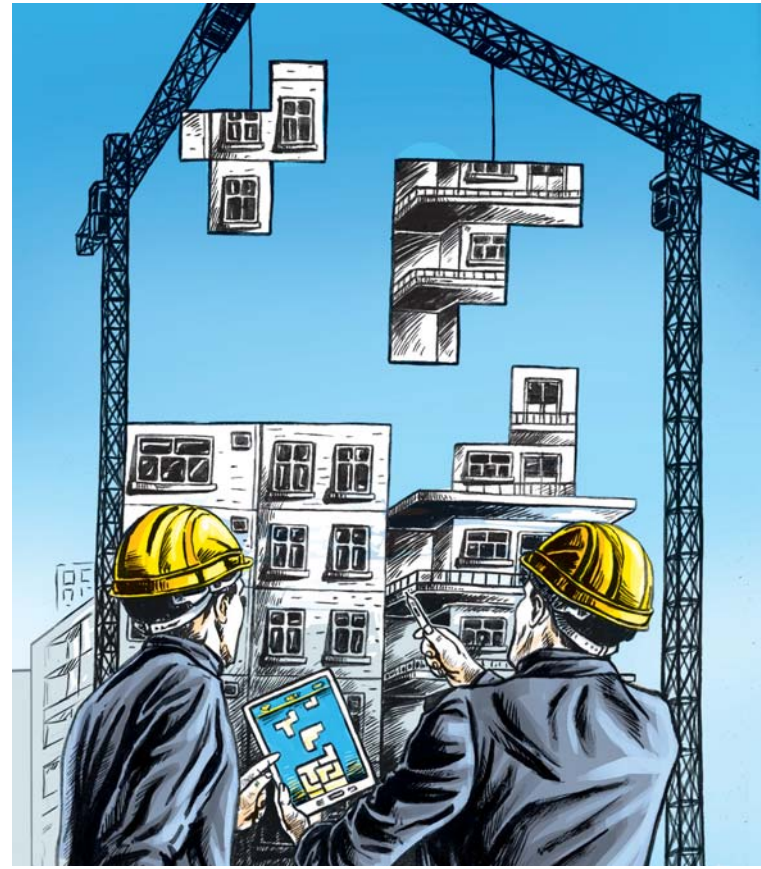
پنجشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۷ • ۲۹ رمضان ۱۴۳۹ • ۱۴ ژوئن ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۷۰ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۲۰:۴۳ • اذان صبح فردا ۴:۰۱ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه‌فرو

فardashargh@gmail.com

کارتون خواب

جلال پیرمرز آباد



زنانی که من دیدهام

تولد معمار نهاد کودکی مبارک*



زهرا عمرانی، تابستان سال ۸۹ باعجله از این مؤسسه به آن مؤسسه می‌رفتم تا اطلاعات مورد نیاز برای پایان‌نامه را گردآوری کنم. گروه هدف، فعالان اجتماعی و مدیران عامل سازمان‌های مردم‌نهاد بودند و طبعاً شورای کتاب

کودک و مدیریت آن در صدر فهرست قرار داشتند. از پله‌ها که بالا رفتم و به دفتر شورا رسیدم، سراغ خانم میرهادی را گرفتم. اتافی را به من نشان دادند، به سمتش رفتم و وارد شدم. جلسه هیئت‌مدیره بود و اعضا دورتادور میز نشسته بودند و توران خانم صحبت می‌کرد. ورود من باعث شد تا همه به سوی در برگردند. توران خانم پرسید کارت چیست و من با اعتمادبه‌نفس در مورد پروژه دانشگاهی و اینکه آمدم تا ایشان به پرسشنامه‌ام پاسخ دهد، صحبت کردم. هنوز وقتی به آن لحظه فکر می‌کنم از ته دل خنده‌ام می‌گیرد. چهره خود را در آن جمع تصور می‌کنم و فکر می‌کنم آن‌بار اولین و آخرین تجربه زندگی من بود که در جلسه‌ای یک‌باره وارد شده باشم و سراپا در مورد موضوعی کاملاً دور از موضوع جلسه صحبت کرده باشم، اما شاید آنچه برای من تجربه منحصربه‌فردی بوده است، برای آن مکان یک رویه بوده؛ رویه‌ای از احترام به دانش‌آموز و دانشجو، مگر نه‌اینکه کل آن ساختمان و اعضایش در خدمت کودک و نوجوان بودند؟ پس چه بحثی می‌تواند از موضوعی که یک دانشجو برای مطرح‌کردن دارد پراهمیت‌تر باشد؟ آنجا «فضای مسطح مدیریتی» را به خوبی حس کردم. توران میرهادی اگر امروز بود ۹۷ سال داشت. او در ۳۵ سالگی شورای کتاب کودک را با هدف «کمک به روند شکل‌گیری ادبیات کودکان و اعتلای کیفی و کمی منابع ادبی و اطلاعاتی کودکان و نوجوانان» بنیان گذاشت. در شکل‌گیری این شورا نویسندگان بنام کتاب کودک را دور هم جمع کرد تا با هم‌فکری، کتاب‌های بیشتر و بهتری برای کودکان بنویسند. فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان از جمله تولیدات این شورا است. توران خانم هفت سال پیش از تأسیس شورا، فعالیت جدی خود را در عرصه پرورش کودکان با تأسیس «کودکستان فرهاد» آغاز کرد و این مجموعه آموزشی را تا دوره راهنمایی ارتقا داد. او که در بحبوحه جنگ‌های جهانی به اهمیت آموزش صلح به کودکان واقف شده بود، تصمیم گرفت تا در همین رشته نیز تحصیل کند. در سال ۱۳۲۵ به فرانسه رفت و پس از فارغ‌التحصیلی از رشته روان‌شناسی تربیتی در دانشگاه سوربن، در حوزه آموزش پیش‌دبستان در کالج سوونیه ادامه تحصیل داد. از آنجا که در آن دوره با برخی روان‌شناسان مطرح کودک هم‌دوره بود، فرصت یافت تا از نزدیک با دیدگاه‌های آنها آشنا شود. در سال ۱۳۳۰ به ایران بازگشت و چهار سال بعد فعالیت جدی خود در عرصه آموزش‌وپرورش را با پایه‌گذاری کودکستان فرهاد آغاز کرد. شنبه، ۲۶ خرداد، روز تولد توران خانم است. هر چند حالا خودش در میان ما نیست، اما ما تولد توران خانم را که بحق از معماران مؤثر نهاد کودکی در ایران شناخته می‌شود پاس می‌داریم؛ فردی که به کودکان اعتبار داد و اختیار، تا اینکه آزادانه تصمیم بگیرند و فقط مطیع صرف نباشند؛ کسی که همیشه در اتاقش به روی هر جوان علاقه‌مندی گشوده بود. تولد او سرآغازی بود بر ظهور علم و تربیت نوین و کودک‌محور، سرآغازی بود بر توانستن‌ها، بازگشتش بار دیگر به یادمان آورد فارغ از اینکه در کجای این کره پهناور زندگی می‌کنیم، همچنان «اگر بخوایم، می‌توانیم» ساختاری مستند، معلم‌محور و در ظاهر ابدی را با طریقی نو درآندازیم. او به ما انگیزه و جرئت می‌دهد برای رفتن به دنبال رویاهایمان و ساختن دنیایی بهتر. تولدش بر ما مبارک است.

* به همین مناسبت فیلم مستند توران خانم، به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد و مجتبی میرتھاسب اکران خواهد شد.

زیر آسمان شهر

نهنگ پلاستیکی



دکتر عبدالرضا ناصر مقدسی

عکس نهنگی که به دلیل بلع ۸۰ عدد پلاستیک در ساحل تایلند جان داد، بسیار تکان‌دهنده بود. انگار کسی باور نمی‌کرد که این همه پلاستیک که هر روز در طبیعت

رها می‌شود می‌تواند موجب آزار و حتی مرگ موجودی شود. شاید هم فکر کنیم که بشر با این علم و تکنولوژی حتماً راهی برای از بین بردن این همه پلاستیک و زباله‌های غیرقابل‌تجزیه را پیدا خواهد کرد؛ «اینکه کاری ندارد، علم به خیلی از امکانات رسیده است. حتماً این همه زباله را از بین خواهد برد. حتی شاید بشر بالا برهایی را درست کند که زباله‌ها را به فضا برده و در کیهان لایتنه‌ی رها کند». اینها افکاری است که در ذهن کسانی که به فاجعه محیط زیست نمی‌اندیشند می‌چرخد، اما اوج بحران آنجا بود که کارشناسان محیط زیست فقط توانستند پنج عدد از پلاستیک‌ها را از شکم نهنگ خارج کنند و او با ۷۵ پلاستیک در شکمش جان داده، یعنی اکثر قریب‌به‌اتفاق پلاستیک‌ها در شکم این نهنگ باقی ماند. فکر می‌کنم این موضوع کنایه‌ای قابل‌تأمل از وضعیت کره زمین است: هر کاری که کنیم حجم عمده این زباله‌ها در دامان طبیعت باقی خواهد ماند و سیاره زمین از سیاره‌های زیبا و آبی به سیاره‌های پلاستیکی تبدیل خواهد شد و چه‌بسا این‌بار از فضا به سیاره‌های رنگارنگ تبدیل شود که دیگر نتوان آن نمود زبای آبی حیات را در آن مشاهده کرد. شاید خیلی از ماها این‌گونه تصور کنیم که بهترین راه حل این مشکل تلنبار با دفع پلاستیک‌ها در جایی مثلاً در بیابانی یا جنگلی یا گوشه‌ای از شهرمان است؛ یعنی کاری که همین الان در حال انجامش هستیم. به نظرمان این‌گونه نمی‌گذاریم زباله‌ها وارد زندگی‌مان نشوند، ولی این طرز تفکر واقعیت نداشته و صرفاً ناشی از تفکر اشتباه ما در مورد طبیعت است. پلاستیک و زباله‌های تجزیه‌ناپذیر عملاً محیط زیست انسان را نابود می‌کنند. البته این را اضافه کنید به انبوه قطع درختان، آتش‌سوزی جنگل‌ها و انقراض وحشتناک گونه‌ها. همه اینها عملاً منجر به تخریب و از بین رفتن ذخیره ژنتیکی می‌شود. اینکه ذخیره ژنتیکی و تنوع زیستی از بین برود به‌نوعی به‌مثابه از بین رفتن هویت ماست. ما خیلی زود فراموش کرده‌ایم که به‌عنوان یک موجود زنده محصول تکامل در طبیعت هستیم و بخش بسیار چشمگیری از ذخیره ژنتیکی ما با سایر موجودات زنده یکسان است. وقتی این ذخیره ژنتیکی نابود شود، این ارتباط ما با عوامل هویت‌دهنده ماست که از بین می‌رود. این‌گونه باید منتظر فجاجع هویتی و شناختی فراوانی در گونه انسان بود. مطالعاتی از نقش طبیعت در تسریع بهبودی بیماران خبر می‌دهند، اما به‌کمان من این حوزه‌ای وسیع برای تحقیق بوده و جنبه‌های مختلف آن مشخص نشده است. انسانی که به‌دور از طبیعت باشد و به تخریب آن باری برساند، عملاً خود را در معرض آسیب‌های جدی جسمی و ذهنی و روانی قرار خواهد داد. کودک که بوم، آب دریا نزدیک خانه‌مان؛ یعنی دریا خزر، در روزهای گرم تابستان بسیار آرامش‌بخش بود. امروز اما هر وقت که در کنار خزر قدم می‌زنم، با انبوهی از زباله‌ها روبه‌رو می‌شوم؛ زباله‌ها و آبی که دیگر آن زیبایی و زلالی و آرامش را ندارد. دریا خزر در کودکی من مملو از فانتزی و خیال‌پردازی بود. فکر می‌کردم چه موجودات شگفت‌انگیزی، از جمله پر‌های دریایی در این آب زندگی می‌کنند. به صدف‌ها و خرچنگ‌های کوچکی که هر بار در کنار دریا پیدا می‌کردم با تعجب و به شکل پیام‌آورانی از این دنیای زیبا نگاه می‌کردم. الان اما دیگر هیچ محلی برای فانتزی وجود ندارد. ما در گوشه‌کوشه این سرزمین با محیط زیستی روبه‌رو هستیم که روزبه‌روز نشانه‌های تباہی و ویرانی را بیشتر از خود نشان می‌دهد.

Advertisement for Naroon (نارون) featuring a white Peugeot 206 car, colorful stars, and text: 'مرکز خرید نارون' (Naroon Shopping Center), 'قرعه‌کشی ۹۷/۳/۲۵ همزمان با عید سعید فطر' (Drawing of 97/3/25 simultaneous with Eid al-Fitr), 'همراه با جوایز ارزنده' (With valuable prizes), 'فروش ویژه' (Special Sale). Includes a barcode and the Naroon logo.